فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال نهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۹)، بهار ۱۴۰۵ (ویژه‌نامه)

# بررسی مالکیت و انتقال داده‌های شخصی در بستر اقتصاد دیجیتال از منظر حقوق خصوصی

**فرزاد مرادی**[۱]

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵*
*تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰*
*کد مقاله: ۷۸۲۷۳*

## چکـیده

اقتصاد دیجیتال با محوریت داده به‌ویژه داده‌های شخصی، ساختار روابط خصوصی و مدل‌های سنتی مالکیت را دگرگون کرده است. داده‌های شخصی علاوه بر ارزش اقتصادی، پیوندی جدایی‌ناپذیر با هویت و حق شخصیت افراد دارند و همین امر موجب ایجاد چالش‌های بنیادی در زمینه مالکیت، انتقال، کنترل و بهره‌برداری قراردادی از آن‌ها شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی–تحلیلی و تطبیقی به بررسی ماهیت حقوقی داده‌های شخصی، امکان مالکیت و حدود انتقال‌پذیری آنها در چارچوب حقوق خصوصی ایران و اسناد بین‌المللی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قوانین ایران اگرچه مفهوم مالکیت داده‌های شخصی را به‌طور صریح شناسایی نکرده‌اند، اما اصول حاکمیت اراده، قواعد مسئولیت مدنی و قواعد عام قراردادها قابلیت ایجاد «حق کنترل» و «حق بهره‌برداری محدود» از داده را فراهم می‌کند. همچنین مطالعه تطبیقی با GDPR نشان می‌دهد که رویکرد غالب جهانی، تفسیر داده‌های شخصی به‌مثابه «موضوع حقوق شخصیت با کارکرد اقتصادی» است نه یک «مال قابل تملک مطلق». بر این اساس، در ایران نیز تنظیم‌گری داده باید بر کنترل، رضایت آگاهانه، قابلیت انتقال‌پذیری و محدودیت‌های ماهوی بنا شود. در پایان، راهکارهایی برای اصلاح قوانین ایران ارائه شده است.

**واژگـان کلـیدی:** داده‌های شخصی، مالکیت داده، اقتصاد دیجیتال، انتقال داده، حق کنترل داده.

۱- کارشناس ارشد ، حقوق خصوصی، دانشگاه ازاد اسلامی واحد سنندج

## ۱- مقدمه

تحولات گسترده فناوری‌های دیجیتال در دهه‌های اخیر از هوش مصنوعی و کلان‌داده گرفته تا پلتفرم‌های هوشمند و اینترنت اشیا، سبب شده است که داده‌های شخصی در جایگاه یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین منابع اقتصاد جهانی قرار گیرند. گزارش‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[1] داده‌ها را «سوخت اصلی اقتصاد دیجیتال» توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که ارزش اقتصادی داده‌ها در بسیاری موارد از دارایی‌های مادی نیز فراتر می‌رود. شرکت‌های بزرگ فناوری همچون Google، Meta و Amazon نیز مدل‌های تجاری خود را بر پایه استخراج، تحلیل و بهره‌برداری اقتصادی از داده‌های رفتاری کاربران بنا کرده‌اند.

در این بستر، داده‌های شخصی به‌عنوان اطلاعاتی که فرد را مستقیم یا غیرمستقیم قابل‌شناسایی می‌سازد، دارای ماهیتی دوگانه هستند: از یک‌سو ارزش اقتصادی مستقل دارند و می‌توانند موضوع مبادله و بهره‌برداری قرار گیرند؛ از سوی دیگر، به‌طور بنیادین با هویت، حریم خصوصی و حقوق شخصیت فرد مرتبط‌اند. همین ماهیت تلفیقی موجب شده است بحث از امکان اعمال نهاد «مالکیت» نسبت به داده‌های شخصی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظری حقوق خصوصی تبدیل شود. در ادبیات حقوقی ایران، دو رویکرد اصلی قابل مشاهده است. گروهی با تکیه بر ارزش اقتصادی داده، آن را نوعی «مال» غیرمادی دانسته و معتقدند می‌تواند مشمول قواعد عمومی مالکیت و انتقال اموال قرار گیرد، مشروط بر آن‌که با حقوق شخصیت تعارض نداشته باشد. در مقابل، رویکرد دیگر با تأکید بر پیوند ذاتی داده‌های شخصی با شخصیت انسانی، مفهوم مالکیت مطلق را نسبت به داده نادرست می‌داند و داده را عمدتاً در قلمرو حقوق شخصیت و حق بر حریم خصوصی تحلیل می‌کند .نتیجه این اختلاف آن است که داده نه می‌تواند صرفاً «مال» باشد و نه صرفاً «حق غیرمالی»، بلکه باید آن را نوعی «حق مرکب» دانست که هر دو جنبه شخصیتی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد.

در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم وجود مقررات پراکنده‌ای در قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ و قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸، هنوز قانون جامع و یکپارچه‌ای برای حمایت از داده‌های شخصی، مشابه مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا، به تصویب نرسیده است .بنابراین، بسیاری از مسائل مرتبط با مالکیت، انتقال‌پذیری، رضایت آگاهانه، و مسئولیت مدنی ناشی از نقض داده، ناگزیر بر پایه اصول کلی حقوق مدنی و قواعد حاکم بر حریم خصوصی تبیین می‌شود .در سطح بین‌المللی نیز رویکرد غالب به‌ویژه در GDPR کنار گذاشتن مفهوم مالکیت مطلق داده و جایگزین‌سازی آن با حقوق کنترلی چون حق دسترسی، اصلاح، حذف، محدودسازی پردازش و حق انتقال‌پذیری داده است .این رویکرد، دوگانگی ماهیت داده را به رسمیت می‌شناسد و کنترل فرد بر داده را جایگزین مالکیت می‌کند. بر این اساس، پرسش‌های مهمی در حقوق ایران مطرح می‌شود: ماهیت حقوقی داده‌های شخصی چیست؟ آیا می‌توان آن‌ها را مال قابل‌تملک دانست؟ حدود انتقال‌پذیری آن‌ها چیست؟ رضایت معتبر در پردازش داده چه شرایطی دارد؟ و نظام حقوقی ایران برای همگامی با استانداردهای بین‌المللی چه اصلاحاتی نیاز دارد .این پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و تطبیقی، ابتدا ماهیت دوگانه شخصیتی–اقتصادی داده‌های شخصی و امکان انطباق آن با نهاد مالکیت در حقوق ایران را بررسی می‌کند؛ سپس با تحلیل مقررات GDPR، ظرفیت‌های الگوی «حق کنترل و انتقال‌پذیری داده» را برای نظام حقوقی ایران ارزیابی کرده و در نهایت، پیشنهادهایی برای تدوین قانون جامع حمایت از داده و بازطراحی روابط قراردادی مبتنی بر داده ارائه خواهد کرد.

## ۲- مبانی نظری و مفهومی داده‌های شخصی

### ۲-۱- تعریف داده شخصی

داده شخصی در ادبیات حقوقی و فناوری یک مفهوم بنیادین است که تعیین دامنه حمایت قانونی و تحلیل ماهیت حقوقی آن بر این تعریف استوار است. یکی از جامع‌ترین تعریف‌ها، در ماده ۴ مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا آمده است. بر اساس این ماده، داده شخصی «هرگونه اطلاعات مربوط به شخص حقیقی شناسایی‌شده یا قابل‌شناسایی» است؛ و این شناسایی می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق شناسه‌هایی چون نام، شماره شناسایی، داده مکانی، شناسه آنلاین یا عوامل مربوط به هویت جسمی، ژنتیک، روانی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی صورت گیرد. این تعریف گسترده، داده‌های رفتاری، تحلیلی و الگوریتمی را نیز دربرمی‌گیرد و به‌ویژه در محیط‌های مبتنی بر کلان‌داده و هوش مصنوعی اهمیت دارد. در حقوق ایران، تعریف صریحی از «داده شخصی» وجود ندارد. تنها ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ (عنوان: «تعاریف») از «داده پیام» به‌عنوان «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم» یاد می‌کند که با ابزارهای الکترونیکی تولید یا پردازش می‌شود. در فصل مربوط به «حمایت از داده پیام‌های شخصی»، این قانون از عبارت «اطلاعات مربوط به شخص حقیقی» استفاده می‌کند، اما مانند GDPR تعریفی جامع از داده شخصی ارائه نمی‌دهد. بااین‌حال، برداشت کلی این است که داده شخصی هر نوع اطلاعاتی است که قابلیت انتساب به یک فرد حقیقی را داشته باشد(قانون تجارت الکترونیک، ۱۳۸۸: ۶۵).

1 . OECD

## ۲-۲- انواع داده‌های شخصی

به‌منظور تعیین دامنه حمایت قانونی، داده‌های شخصی معمولاً بر اساس میزان شناسایی‌پذیری و حساسیت طبقه‌بندی می‌شوند: داده‌های شناسایی مستقیم: اطلاعاتی مانند نام، شماره ملی، آدرس، شماره تماس یا تصویر چهره که به‌طور مستقیم فرد را قابل‌شناسایی می‌کنند. داده‌های شناسایی غیرمستقیم یا رفتاری: داده‌هایی که به تنهایی هویت فرد را آشکار نمی‌کنند، اما در ترکیب با دیگر داده‌ها امکان شناسایی را فراهم می‌سازند؛ مانند الگوهای خرید، داده‌های مکانی، تاریخچه جست‌وجو یا پروفایل‌سازی الگوریتمی. این دسته در اقتصاد دیجیتال اغلب مهم‌تر از داده‌های شناسایی مستقیم است. داده‌های حساس: در GDPR شامل داده‌هایی مانند اطلاعات ژنتیک، زیست‌سنجی، سلامت، عقاید سیاسی و مذهبی یا سوابق کیفری است. در حقوق ایران نیز از ماده ۱ و ماده ۵ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ (عناوین: «دسترسی غیرمجاز» و «شنود غیرمجاز») که افشای «اسرار خصوصی» را جرم‌انگاری می‌کنند، می‌توان استنباط کرد که اطلاعات سلامت، جنسی، کیفری یا خانوادگی در زمره داده‌های حساس قرار می‌گیرند.(قانون تجارت الکترونیک، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

## ۲-۳- جایگاه داده شخصی در حقوق خصوصی

ماهیت داده شخصی در حقوق خصوصی به دلیل ویژگی‌های خاص آن با چالش جدی همراه است. داده‌های شخصی نه در قالب اموال مادی می‌گنجند و نه کاملاً مشابه حقوق مالکیت فکری هستند. چند ویژگی مهم داده شخصی چنین است:۱) نامحسوس بودن: داده‌ها فاقد وجود فیزیکی‌اند و صرفاً در قالب اطلاعات قابل پردازش ظهور می‌یابند. تمایز مهم آن‌ها با آثار فکری این است که داده حاصل خلاقیت نیست، بلکه از زندگی و هویت فرد سرچشمه می‌گیرد. ۲) قابلیت تکثیر نامحدود: انتقال داده برخلاف اموال مادی موجب خروج نسخه اولیه از ید دارنده نمی‌شود و همین امر تحلیل سنتی مالکیت را دشوار می‌کند. ۳) ارزش اقتصادی قابل‌توجه: در اقتصاد مبتنی بر تحلیل داده و الگوریتم، داده‌های شخصی ارزش اقتصادی گسترده دارند و مبنای مدل‌های تجاری پلتفرم‌ها هستند. ۴) پیوند با شخصیت انسان: داده بخشی از هویت و حریم خصوصی فرد است و همین پیوند مانع از آن می‌شود که داده به‌صورت مطلق در چارچوب مالکیت سنتی منتقل شود یا به عنوان مال عینی تلقی گردد. ترکیب این ویژگی‌ها نشان می‌دهد داده‌های شخصی در تقاطع حقوق شخصیت و حقوق اموال قرار می‌گیرند و به همین دلیل، تعیین ماهیت حقوقی، حدود کنترل، انتقال یا بهره‌برداری از آن‌ها همچنان محل بحث جدی در حقوق ایران و دیگر نظام‌های حقوقی است( قانون جرایم رایانه ای، ۱۳۸۲: ۳۲).

# ۳- ماهیت حقوقی داده‌های شخصی

مسئله ماهیت حقوقی داده‌های شخصی یکی از بنیادی‌ترین موضوعات در حقوق فناوری و اقتصاد دیجیتال به شمار می‌آید؛ زیرا تعیین ماهیت داده نقطه آغاز تحلیل بسیاری از مسائل حقوقی است: از جمله امکان مالکیت و انتقال داده، حدود بهره‌برداری اقتصادی، قابلیت توقیف یا حمایت به‌عنوان حق مالی، و نیز تعیین مسئولیت ناشی از نقض یا افشای غیرمجاز اطلاعات. در ادبیات حقوقی ایران و حقوق تطبیقی، سه رویکرد اصلی برای تحلیل ماهیت داده‌های شخصی مطرح شده است:

۱) نظریه مال بودن داده

۲) نظریه شخصیت‌محور بودن داده

۳) نظریه دوگانه یا مختلط.

هر یک از این رویکردها تلاش می‌کنند بر ویژگی‌های خاص داده در محیط دیجیتال پاسخی حقوقی ارائه دهند.(کاتب، ۱۳۹۵: ۸۵).

## ۳-۱- نظریه «داده به‌مثابه مال»

طرفداران این دیدگاه داده‌های شخصی را دارای اوصاف یک مال می‌دانند و بر این باورند که از حیث کارکرد اقتصادی، داده می‌تواند در قلمرو دارایی افراد جای گیرد. استدلال اصلی این رویکرد آن است که داده بی‌توجه به منشأ شخصی آن در اقتصاد دیجیتال ارزش اقتصادی واقعی دارد و همین ارزش‌گذاری، معیار سنتی مالیت یعنی «قابلیت تقویم مالی» را برآورده می‌کند. افزون بر این، داده امروزه در قالب‌های مختلف مبادله می‌شود: گاه به‌صورت مستقیم (فروش مجموعه داده‌ها) و گاه در قالب‌های غیرمستقیم مانند تحلیل‌های رفتاری، داده‌کاوی و پروفایل‌سازی. از منظر طرفداران این نظریه، این قابلیت مبادله و اختصاص‌یافتن، داده را در ردیف اموال غیرمادی قابل بهره‌برداری قرار می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۱۳۳). با وجود این، نظریه مالیت داده با چالش‌های مهمی روبه‌روست. نخست آنکه داده برخلاف اموال سنتی، قابل تکثیر نامحدود است و انتقال آن الزاماً به معنای خروج داده از دست دارنده اولیه نیست؛ ویژگی‌ای که مفهوم کلاسیک «استیلا و سلطه انحصاری» در حقوق اموال را دچار اختلال می‌کند. دوم آنکه داده

شخصی برخلاف سایر اموال، ارتباطی مستقیم با هویت، ویژگی‌های فردی و حریم خصوصی انسان دارد؛ بنابراین نمی‌توان تمام داده را همچون مال قابل انتقال، به‌طور مطلق و دائمی واگذار کرد. سوم آنکه نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند اتحادیه اروپا، داده شخصی را نه در قالب مال، بلکه در قالب «حق فرد نسبت به اطلاعات خود» تحلیل می‌کنند و مجموعه حقوقی که GDPR در فصل سوم برای اشخاص شناخته است (همچون حق دسترسی، اصلاح و حذف داده)، با ساختار حقوق اموال ناسازگار است.

### ۳-۲- نظریه «داده به‌مثابه حق شخصیت»

رویکرد دوم داده‌های شخصی را در قلمرو حقوق شخصیت قرار می‌دهد و بر پیوند ذاتی داده با هویت انسانی تأکید می‌کند. مطابق این دیدگاه، داده شخصی امتداد طبیعی حوزه‌هایی همچون حریم خصوصی، تمامیت شخصیت و حیثیت فرد است. بر پایه این تحلیل، داده‌های شخصی همانند سایر حقوق شخصیت نظیر حق نام یا حق تصویر فاقد قابلیت نقل و انتقال مطلق هستند و نمی‌توان آن‌ها را در زمره دارایی‌های قابل تملک قرار داد (شهیدی، ۱۳۹۱: ۱۸۴). نظریه شخصیت‌محور مزیت مهمی دارد: می‌تواند به‌روشنی ماهیت هویتی و غیرقابل‌تجزیه داده را توضیح دهد و بنیانی نظری برای حقوقی مانند کنترل، رضایت و حذف داده فراهم کند. با این حال، این نظریه نیز محدودیت‌هایی دارد. مهم‌ترین نقد آن است که این رویکرد نمی‌تواند توصیف کند چگونه داده شخصی، در عمل، سرچشمه بخش بزرگی از ارزش اقتصادی در مدل‌های تجاری مبتنی بر کلان‌داده، تبلیغات هدفمند و هوش مصنوعی است. همچنین، این نظریه توضیح نمی‌دهد که قراردادهای رایج در پلتفرم‌های دیجیتال که کاربران اجازه استفاده محدود از داده خود را اعطا می‌کنند بر چه مبنایی معتبر تلقی می‌شود. بنابراین، نظریه شخصیت‌محور با وجود کارآمدی در حوزه حمایت از کرامت انسانی، از تبیین جنبه‌های اقتصادی و قراردادی داده ناتوان است(باقری، ۱۳۹۶: ۷۱).

### ۳-۳- نظریه «ماهیت دوگانه یا مختلط داده[1]»

رویکرد سوم، که به‌عنوان تحلیل غالب در حقوق فناوری شناخته می‌شود، داده‌های شخصی را دارای ماهیتی دوگانه می‌داند؛ بدین معنا که داده همزمان واجد جنبه شخصیت‌محور و جنبه اقتصادی است. این نظریه، با پذیرش پیوند بنیادین داده با هویت فرد، حقوقی همچون حق کنترل، دسترسی، اصلاح و حذف داده را توجیه می‌کند و در عین حال، با پذیرش ارزش اقتصادی داده، امکان بهره‌برداری تجاری و پردازش قراردادی آن را نیز توضیح می‌دهد (کونر، ۲۰۲۰: ۴۸) مزیت اساسی نظریه دوگانه آن است که هیچ‌یک از دو بعد اصلی داده شخصیتی و اقتصادی را نادیده نمی‌گیرد. همین تلفیق سبب شده مقرراتی مانند GDPR نیز بر همین ساختار استوار باشند: داده مال محسوب نمی‌شود، اما فرد بر داده «حق کنترل» دارد؛ و شرکت‌ها نیز تحت شرایط مشخص و محدود می‌توانند داده را پردازش کنند. در واقع، این نظریه تنها چارچوبی است که می‌تواند همزمان کرامت انسانی را حفظ کند و پاسخ‌گوی نیازهای اقتصاد داده باشد. بررسی سه رویکرد نشان می‌دهد که هیچ یک از دو نظریه «مال بودن» یا «صرفاً شخصیت بودن» به‌تنهایی توانایی تبیین جامع ماهیت داده شخصی را ندارند. داده شخصی از حیث منشأ، به‌طور جدایی‌ناپذیر با شخصیت انسان مرتبط است، و از حیث کارکرد، دارایی مهمی در اقتصاد دیجیتال محسوب می‌شود. از این رو، تحلیل ماهیت داده در قالب یک «حق مرکب» یا «حق شخصیتی–اقتصادی» رویکرد واقع‌بینانه‌تری است و امکان صورت‌بندی روشن‌تری از قواعد مربوط به انتقال، کنترل و بهره‌برداری از داده را فراهم می‌کند. همین مبنا در بخش‌های بعد، به‌ویژه در بحث امکان مالکیت و انتقال داده در حقوق ایران، به‌صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت(نریمانی و یزدان پناه، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

## ۴- بررسی مالکیت داده‌های شخصی

مسئله مالکیت داده‌های شخصی از بنیادی‌ترین مباحث حقوقی در عصر اقتصاد دیجیتال است. داده‌های شخصی امروز به یکی از ارزشمندترین دارایی‌ها در تعاملات دیجیتال، مدل‌های تجاری نوین و تحلیل‌های مبتنی بر الگوریتم تبدیل شده‌اند؛ اما در عین حال، این داده‌ها با هویت، حریم خصوصی و شخصیت انسانی پیوند دارند. همین دوگانگی موجب شده انطباق مفهوم سنتی مالکیت که بر اموال مادی و برخی اموال غیرمادی استوار است بر داده‌های شخصی محل تردید و اختلاف نظر قرار گیرد. برای بررسی امکان یا عدم امکان مالکیت داده، نخست باید مفهوم مالکیت در حقوق مدنی ایران تحلیل شود، سپس قابلیت انطباق آن با داده‌های شخصی ارزیابی گردد(شهیدی، ۱۳۹۳: ۴۲).

### ۴-۱- مفهوم مالکیت در حقوق مدنی ایران

1 . Hybrid Theory

در نظام حقوقی ایران، مالکیت یکی از جامع‌ترین و مستحکم‌ترین نهادهای حقوق اموال است و به‌عنوان «حق عینی» در برابر همگان قابل استناد است. دکترین حقوقی، به‌ویژه آثار شهیدی، مالکیت را متشکل از سه اقتضای اساسی می‌داند: حق استفاده (انتفاع)، حق بهره‌برداری اقتصادی (ثمره و نماء)، و حق انتقال. این سه عنصر، حدود و آثار سلطه مالکانه بر مال را ترسیم می‌کنند. هرچند قانون مدنی این سه‌گانه را به‌صورت صریح تعریف نکرده است، اما مواد مختلف قانون به‌طور ضمنی آن‌ها را شناسایی می‌کند. مهم‌ترین ماده در این زمینه: ماده ۳۰ قانون مدنی (عنوان: «مالکیت و انتفاع») : «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را دارد...» این ماده اساس اقتضای نخست مالکیت یعنی حق تصرف و انتفاع را بیان می‌کند و مالک را ذی‌صلاح مطلق برای استفاده از مال می‌داند. ماده ۳۱ قانون مدنی (عنوان: «حق مالک بر مال») : «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون.» این ماده تجلی «مصونیت مالکیت» و سلطه مستمر و مطلق مالک بر مال است. افزون بر این، مواد ۳۳ و ۳۴ قانون مدنی، به‌طور پراکنده آثار مالکیت نسبت به منافع و نماءات را برمی‌شمارند که بیانگر اقتضای دوم یعنی حق بهره‌برداری اقتصادی است. بر پایه این مجموعه، مالکیت در حقوق ایران: مطلق است (در برابر همگان قابل استناد)، دائمی است، قابل انتقال است (چه به‌صورت عینی و چه قراردادی)، و تمامی عناصر استفاده، بهره‌برداری و انتقال را در بر می‌گیرد. بنابراین برای آنکه موضوعی در قلمرو مالکیت قرار گیرد، باید قابلیت انطباق با این عناصر سه‌گانه را داشته باشد(صفاری نیا و عامری، ۱۳۹۷: ۵۳).

## ۴-۲- امکان انطباق مالکیت بر داده‌های شخصی در حقوق ایران

با وجود اهمیت روزافزون داده‌های شخصی، در حقوق ایران هیچ قانون صریحی که مالکیت داده‌های شخصی را شناسایی یا نفی کند وجود ندارد. قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ با وجود استفاده مکرر از مفهوم «داده‌پیام»، صرفاً به اعتبار اسناد الکترونیکی پرداخته و وارد بحث مالکیت داده نشده است. همچنین قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸، تمرکز خود را بر جرم‌انگاری رفتارهایی چون دسترسی غیرمجاز، افشا و مداخله در داده‌ها قرار داده و ماهیت داده را موضوع بحث حقوق اموال قرار نداده است. در نتیجه، تحلیل مالکیت داده در ایران ناگزیر است بر قواعد عمومی اموال **و** مالکیت و نیز حقوق شخصیت تکیه کند. برای این تحلیل، باید بررسی کرد آیا داده شخصی می‌تواند با سه اقتضای مالکیت سازگار شود یا خیر(کاتب، ۱۳۹۵: ۲۳۲).

**الف) حق استفاده و انتفاع از داده:** هر فرد به‌طور طبیعی بر داده‌های مرتبط با هویت خود نوعی سلطه و اختیار دارد؛ مانند اینکه چه اطلاعاتی را در چه زمانی به چه شخص یا سامانه‌ای ارائه کند. این اختیار شبیه «انتفاع» است، اما ماهیت آن بیشتر به حق کنترل نزدیک است تا انتفاع اقتصادی(قانون جرایم رایانه ایی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

**ب) حق بهره‌برداری اقتصادی:** در ظاهر، داده‌های شخصی ارزش اقتصادی فراوان دارند و در مدل‌های تجاری پلتفرم‌ها به کار گرفته می‌شوند؛ اما نکته مهم این است که این ارزش‌افزایی در اغلب موارد ناشی از پردازش، تحلیل، ترکیب و تفسیر داده توسط نهادهای پردازشگر است، نه صرف وجود داده خام. همچنین فرد معمولاً نسبت به داده خود «ثمره و نماء» به معنای حقوق اموال ندارد.

**ج) حق انتقال:** اساسی‌ترین محل اختلاف، امکان یا عدم امکان انتقال داده‌های شخصی است. انتقال مطلق و مالکانه داده با چالش‌های زیر مواجه است: داده برخلاف اموال، با هویت فرد پیوند ذاتی دارد و حتی پس از «انتقال»، رابطه شخصیت‌محور آن قطع نمی‌شود؛ داده قابلیت تکثیر نامحدود دارد و خروج از ید مالک به معنای فقدان آن برای وی نیست؛ انتقال کامل داده می‌تواند به اسقاط عملی حقوق شخصیت منجر شود، امری که در حقوق ایران فاقد اعتبار است. به همین دلایل، بسیاری از حقوقدانان ایرانی، مانند شهیدی (۱۳۹۳: ۱۷۷)، معتقدند داده‌های مرتبط با شخصیت انسان قابلیت واگذاری مطلق ندارند. بررسی عناصر مالکیت نشان می‌دهد که داده‌های شخصی در حقوق ایران قابلیت انطباق کامل با مالکیت مدنی به‌معنای کلاسیک را ندارند. نه حق انتفاع، نه حق بهره‌برداری اقتصادی و نه حق انتقال در مورد داده‌های شخصی به‌شکل سنتی و مطلق قابل تصور نیستند(باقری، ۱۳۹۶: ۴۵). اما این نتیجه به معنای عدم امکان استفاده قراردادی یا انتقال محدود داده نیست. قواعد عمومی قراردادها، به‌ویژه ماده ۱۰ قانون مدنی (عنوان: «قراردادهای خصوصی») که اصل آزادی قرارداد را شناسایی می‌کند، امکان توافق بر استفاده و پردازش داده را فراهم می‌کند؛ البته در حدودی که حقوق شخصیت و کرامت انسانی نقض نشود. بدین ترتیب، داده‌های شخصی در حقوق ایران نه «مال» به معنای مالکیت‌پذیر کلاسیک هستند و نه «صرفاً حق شخصیت»، بلکه موضوعی با ماهیتی دوگانه محسوب می‌شوند که بهره‌برداری از آن عمدتاً بر رضایت، کنترل و توافق استوار است، نه بر مالکیت عینی.

## ۵- چالش انطباق مالکیت سنتی با داده

مفهوم مالکیت در حقوق ایران بر ساختار سنتی و سه‌گانه آن یعنی حق استفاده، حق بهره‌برداری و حق انتقال استوار است؛ ساختاری که بر اموال مادی و قابل تصرف شکل گرفته است. اما داده‌های شخصی به دلیل ویژگی‌هایی همچون پیوند هویتی با شخص، قابلیت تکثیر نامحدود، و وابستگی به پردازش، به‌سادگی در قالب مالکیت سنتی قابل تحلیل نیستند. ازاین‌رو لازم است چالش‌های داده در برابر سه عنصر مالکیت، نقش قرارداد در ایجاد برخی آثار مشابه مالکیت، و در نهایت الگوی جایگزین مبتنی بر

«حق کنترل» بررسی شود. نخست، داده شخصی در برابر سه عنصر مالکیت سنتی چالش‌های جدی ایجاد می‌کند. در خصوص حق استفاده، اموال مادی قابل‌استفاده انحصاری‌اند، اما داده چنین نیست؛ زیرا همزمان می‌تواند نزد صاحب داده باقی بماند و توسط پردازشگر نیز مورد بهره‌برداری واقع شود. این ویژگی با منطق مالکیت سنتی، که بر «سلطه انحصاری» مبتنی است، ناسازگار است. درباره حق بهره‌برداری اقتصادی نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. اگرچه داده ارزش اقتصادی قابل‌توجهی دارد، اما بخش عمده این ارزش از پردازش و تحلیل داده حاصل می‌شود، نه صرف وجود داده خام. ازاین‌رو دشوار است که ارزش افزوده را به مالکیت سنتی بر داده نسبت دهیم، خصوصاً آنکه شرکت‌های دیجیتال این حقوق را از طریق قرارداد و شروط استفاده ایجاد می‌کنند، نه از طریق مالکیت قانونی. چالش اساسی‌تر در خصوص حق انتقال شکل می‌گیرد. داده شخصی پس از انتقال به‌طور ذاتی با هویت فرد پیوند دارد و از وی جدا نمی‌شود. برخلاف مال مادی، که پس از انتقال رابطه مالک پیشین با مال قطع می‌شود، در مورد داده چنین قطع رابطه‌ای متصور نیست. به همین دلیل انتقال مالکانه داده، به‌معنای سنتی آن، امکان‌پذیر نیست. با وجود این محدودیت‌ها، قرارداد قادر است برخی آثار مالکیت را شبیه‌سازی کند. مبنای این امکان، ماده ۱۰ «قانون مدنی» با عنوان «قراردادهای خصوصی» است که مقرر می‌کند: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند نافذ است مگر اینکه مخالف صریح قانون باشد.» از طریق این اصل، می‌توان اجازه‌های محدود و صلاحیتی برای استفاده، بهره‌برداری یا اشتراک‌گذاری داده ایجاد کرد. برای نمونه، کاربر می‌تواند اجازه دهد پلتفرم داده او را برای ارائه خدمات یا تحلیل‌های تجاری پردازش کند، یا داده تحت شرایط مشخص به اشخاص ثالث منتقل شود. با این حال، این حقوق ماهیت «عینی» ندارند و در حکم مالکیت نیستند، بلکه صرفاً میان طرفین قرارداد معتبرند و قابلیت استناد در برابر عموم را ندارند. ازاین‌رو، حقوق ایران هنوز ظرفیت شناسایی «مالکیت قانونی» بر داده را ندارد، اما امکان ایجاد «حقوق قراردادی» نسبت به داده فراهم است.

در همین زمینه، الگوی حق کنترل که در مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا پذیرفته شده، می‌تواند چارچوب تحلیلی کارآمدتری ارائه کند. این الگو داده شخصی را نه به عنوان مال قابل‌تملک، بلکه به عنوان موضوع حقوق کنترلی فرد در نظر می‌گیرد. مطابق این رویکرد، مجموعه‌ای از حقوق برای صاحب داده تعریف شده که به وی امکان نظارت و کنترل بر فرایندهای پردازش می‌دهد.(نریمانی و یزدان پناه، ۱۴۰۰: ۸۹). از جمله، حق دسترسی در ماده ۱۵ «حق دسترسی موضوع داده[1]» GDPR به فرد اجازه می‌دهد بداند چه داده‌هایی درباره او پردازش می‌شود و با چه هدفی. حق حذف یا فراموش‌شدن در ماده ۱۷ «حق حذف[2]» امکان حذف داده در شرایط مقرر را فراهم می‌کند. حق محدودسازی پردازش در ماده ۱۸ «حق محدودسازی پردازش[3]» به فرد اجازه می‌دهد پردازش داده را تحت شرایط خاص محدود کند. حق انتقال‌پذیری داده نیز در ماده ۲۰ «حق انتقال‌پذیری داده‌ها[4]» به فرد حق می‌دهد نسخه‌ای از داده خود را برای انتقال به پلتفرم دیگر دریافت کند، بی‌آنکه این انتقال به معنای انتقال مالکیت باشد. این الگوی کنترل‌محور از جهات مختلف با ساختار حقوقی ایران نیز سازگارتر است. نخست، داده را می‌توان در کنار سایر حقوق شخصیت قرار داد که در حقوق ایران قابل‌انتقال نیستند و فرد تنها می‌تواند اجازه استفاده از آن‌ها را بدهد. دوم، داده به دلیل پیوند هویتی و قابلیت تکثیر، اصولاً قابل‌انتقال به معنای مالکانه نیست. سوم، حتی پیش از تدوین قانون جامع، بخشی از حقوق کنترلی را می‌توان بر پایه مسئولیت مدنی، قواعد عمومی قراردادها به‌ویژه ماده ۱۰ قانون مدنی و اصول حریم خصوصی اعمال کرد. چهارم، اتخاذ این رویکرد موجب هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی و تسهیل همکاری‌های داده‌ای برون‌مرزی می‌شود. بر این اساس، مفهوم «مالکیت داده» نه با ویژگی‌های فنی و ماهوی داده همخوان است و نه با ساختار حقوقی ایران؛ اما رویکرد «حق کنترل» می‌تواند الگویی کارآمد برای سامان‌دهی حقوقی داده‌های شخصی در نظام حقوقی ایران فراهم سازد(کاتب، ۱۳۹۵: ۶۵).

## ۵- انتقال داده‌های شخصی در حقوق خصوصی ایران

بحث انتقال داده‌های شخصی در حقوق خصوصی ایران به دلیل فقدان قانون جامع و اختصاصی در این حوزه، عمدتاً بر پایه اصول عمومی قراردادها، قواعد مسئولیت مدنی و مباحث نظری مربوط به حقوق شخصیت تحلیل می‌شود. در این چارچوب، چند محور اساسی قابل بررسی است. نخست، انتقال داده‌های شخصی در بستر اصل آزادی قراردادها توجیه می‌شود.

مطابق ماده ۱۰ «قانون مدنی» با عنوان «قراردادهای خصوصی»، قراردادها میان طرفین در صورتی معتبرند که مخالف صریح قانون نباشند. بر اساس این اصل، می‌توان انتقال داده را نوعی تعهد قراردادی به شمار آورد؛ مشروط بر اینکه توافق مزبور حقوق شخصیت افراد را نقض نکند. در نظریه حقوق شخصیت، این حقوق غیرقابل‌اسقاط و غیرقابل‌معامله دانسته می‌شوند؛ بنابراین، آزادی قراردادی در زمینه داده‌ها مطلق نیست و به دلیل پیوند داده با هویت فردی، محدودیت‌های طبیعی پیدا می‌کند. در کنار مبنای قراردادی، حدود و قیودی که ماهیت شخصیت‌محور داده‌ها ایجاد می‌کنند نیز اهمیت دارند. داده‌های حساس مانند داده‌های پزشکی، ژنتیکی، سوابق کیفری یا اطلاعات مربوط به باورهای شخصی از قابلیت انتقال بسیار محدود برخوردارند. افزون بر این، اعتبار انتقال داده منوط به «رضایت آگاهانه» فرد است؛ یعنی رضایتی که پس از اطلاع کامل از

1. Right of Access by the Data Subject
2. Right to Erasure
3. Right to Restrict Processing
4 . Right to Data Portability

هدف، دامنه و مدت انتقال و اشخاص ثالث دریافت‌کننده صادر شود. نبود تعریف دقیق قانونی از رضایت آگاهانه سبب شده است که در عمل سازوکارهای قراردادی آزادی بیش‌ازاندازه‌ای داشته باشند و داده‌گذاران در موقعیت نابرابر اطلاعاتی قرار گیرند. افزون بر این، حتی در صورت اعلام رضایت، قرارداد نمی‌تواند منجر به اسقاط کامل حقوق شخصیت شود و فرد در آینده همچنان حق اعتراض یا محدودسازی پردازش را خواهد داشت. از سوی دیگر، قواعد مسئولیت مدنی یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از داده‌های شخصی در نظام حقوقی ایران به شمار می‌روند.

ماده ۱ «قانون مسئولیت مدنی» با عنوان «مسئولیت جبران خسارت» مقرر می‌دارد که اگر شخصی بدون مجوز قانونی، عمداً یا از روی بی‌احتیاطی به حیثیت، آزادی یا «هر حق دیگر» متعلق به افراد لطمه وارد کند، مسئول جبران خسارت است. با تفسیر موسع از عبارت «هر حق دیگر»، داده‌های شخصی به‌عنوان بخشی از حقوق شخصیت تحت حمایت این ماده قرار می‌گیرند. بنابراین، انتقال یا افشای داده بدون رضایت، یا برخلاف توافق قراردادی، فعل زیان‌بار تلقی شده و مرتکب مکلف به جبران خسارت مادی و معنوی خواهد بود. با این حال، مسئولیت مدنی به‌تنهایی نمی‌تواند جای خالی قانون جامع را پر کند، زیرا برای مسئله‌های نوینی مانند انتقال بین‌المللی داده، تبعیض الگوریتمی یا نقض گسترده داده، به سازوکارهای گسترده‌تر نیاز است. با وجود این ساختار کلی، چندین خلأ مهم در نظام حقوقی ایران قابل مشاهده است. نبود قانون جامع حفاظت از داده‌های شخصی باعث شده مفاهیم پایه، ضوابط پردازش و ضمانت‌اجراها مشخص نباشد. تعریف قانونی از «رضایت آگاهانه» وجود ندارد. استانداردهای امنیتی، تکالیف مراکز داده و الزامات مربوط به نگهداری و گزارش‌دهی نقض داده تدوین نشده‌اند(شهیدی، ۱۳۹۳: ۷۴).

حق‌های نوینی مانند «حق انتقال‌پذیری داده» که در بسیاری از کشورها پذیرفته شده، هنوز در حقوق ایران جایگاهی ندارد. نتیجه این وضع آن است که حمایت از داده‌های شخصی به قواعد عمومی محدود مانده و از هماهنگی لازم برخوردار نیست. در نقطه مقابل، مقررات حفاظت از داده اروپا یک نظام حقوقی منسجم و حق‌محور ارائه می‌دهد که بر چند اصل کلیدی استوار است. نخست، محوریت با «حق کنترل فرد بر داده» است نه «مالکیت داده». فرد مطابق مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۸ حق دسترسی، حق اصلاح و حق محدودسازی پردازش داده‌های خویش را دارد.

دوم، رضایت باید مطابق ماده ۷ به‌صورت آزادانه، مشخص و آگاهانه صادر شود. سوم، اصل حداقل‌گرایی در گردآوری داده که در ماده ۵(۱) آمده، پردازش را به داده‌های ضروری محدود می‌سازد. چهارم، ماده ۲۰ «حق انتقال‌پذیری داده‌ها» را تثبیت می‌کند و فرد می‌تواند داده‌های خود را در قالب قابل‌خواندن و ساخت‌یافته به سامانه دیگر منتقل سازد. پنجم، ماده ۱۷ «حق فراموش‌شدن» را به‌عنوان یکی از ابزارهای کنترل شخصی بر هویت دیجیتال معرفی می‌کند. یکی از انتخاب‌های مهم GDPR، اجتناب از مفهوم مالکیت نسبت به داده‌های شخصی است. قانونگذار اروپایی با پرهیز از مالکیت‌پنداری داده، از کالایی‌شدن هویت فرد، تجارت بی‌حد و مرز داده‌ها و افزایش تبعیض الگوریتمی جلوگیری کرده است. در این رویکرد، داده به‌عنوان حق شخصیت‌محور تلقی می‌شود، نه مال قابل‌معامله. مقایسه این نظام با وضعیت حقوقی ایران چند درس مهم ارائه می‌دهد. نخست، قانونگذار ایران باید مدل «کنترل بر داده» را بر مدل «مالکیت بر داده» ترجیح دهد؛ زیرا با مبانی حقوق شخصیت در حقوق ایران نیز هماهنگ است. دوم، مقررات روشنی درباره نحوه انتقال داده، شرایط رضایت آگاهانه و محدودیت پردازش داده‌های حساس باید تدوین شود. سوم، قراردادهای مبتنی بر داده باید از حیث هدف، دامنه پردازش، مدت نگهداری و جریان انتقال، شفاف و قابل‌فهم باشند. چهارم، ایجاد نهاد مستقل ناظر بر داده مشابه مقام ناظر داده در مواد ۵۱ تا ۵۹ GDPR از ضروریات بنیادین برای کارآمد شدن نظام حمایت از داده در ایران است(صفاری نیا و عامری، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

## ۶- اقتصاد دیجیتال و ضرورت تنظیم‌گری حقوقی در حوزه مالکیت و انتقال داده

با گسترش اقتصاد دیجیتال، داده‌های شخصی تنها یک منبع اطلاعاتی ساده به شمار نمی‌روند، بلکه به‌تدریج در جایگاه یکی از مهم‌ترین دارایی‌های راهبردی اقتصاد نوین قرار گرفته‌اند. در این ساختار اقتصادی جدید، داده نقش محوری در ایجاد ارزش دارد و همین امر ضرورت بازنگری در قواعد حقوقی مرتبط با مالکیت، کنترل و انتقال آن را برجسته می‌سازد. نخست آن‌که داده، به‌ویژه در اقتصاد پلتفرمی، به‌عنوان زیرساخت اصلی تولید ارزش شناخته می‌شود. بنا بر گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[1]، داده‌ها از طریق سازوکارهای فناورانه جدید قادرند «هم ارزش‌افزوده مستقیم و هم غیرمستقیم» تولید کنند و جایگزینی تدریجی دارایی‌های کلاسیک را رقم بزنند. در میان انواع داده، داده‌های رفتاری –حاصل تعاملات کاربران با شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاین و سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی– اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. برخی صاحب‌نظران این داده‌ها را «سرمایه رفتاری» می‌نامند؛ سرمایه‌ای که در بسیاری از موارد از دارایی‌های مادی ارزشمندتر است و بنیان مزیت رقابتی شرکت‌های بزرگ فناوری محسوب می‌شود (زوباف، ۲۰۱۹: ۹۴) در ادامه این تحول، مدل‌های تجاری مبتنی بر داده شکل گرفته‌اند و اقتصاد دیجیتال را هدایت می‌کنند. تبلیغات هدفمند، سامانه‌های هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی، ابزارهای تحلیل ریسک و نظام‌های نمره‌دهی اعتباری، و همچنین بازارهای فروش داده‌های رفتاری، نمونه‌هایی از الگوهای کسب‌وکاری‌اند که کاملاً بر پردازش داده متکی هستند. پلتفرم‌ها با تحلیل داده‌های کاربران، محتوا، خدمات و حتی قیمت‌ها را شخصی‌سازی می‌کنند و از همین رهگذر درآمدهای کلان به دست می‌آورند. این روند زیربنای شکل‌گیری آن چیزی است که در ادبیات جدید «اقتصاد نظارتی» نام گرفته است. با افزایش ارزش اقتصادی داده، اهمیت تنظیم‌گری حقوقی مالکیت و انتقال آن نیز بیش‌ازپیش آشکار شده است. نخستین چالش، جلوگیری از شکل‌گیری انحصار داده است؛ وضعیتی که در ادبیات حقوق رقابت با عنوان «سلطه داده‌ای[2]» شناخته می‌شود و می‌تواند ساختار بازار و رقابت سالم را مختل کند(کرمرِ و همکاران، ۲۰۱۹: ۶۲).

1 . OECD
2. Data Dominance

تنظیم‌گری در این حوزه می‌تواند با ایجاد قواعد شفاف برای دسترسی و انتقال داده، به ورود کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کمک کند. برای نمونه، «حق انتقال‌پذیری داده» در ماده ۲۰ مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا با هدف جلوگیری از انسداد بازار و تقویت قابلیت جابه‌جایی داده‌ها طراحی شده است. از زاویه‌ای دیگر، تنظیم‌گری می‌تواند مانع شکل‌گیری تبعیض الگوریتمی شود. الگوریتم‌هایی که بر اساس داده‌های ناقص یا سوگیرانه آموزش می‌یابند، ممکن است در فرآیندهایی مانند استخدام، اعطای وام یا تعیین نرخ بیمه به رفتارهای ناعادلانه منجر شوند. الزام به شفافیت پردازش و امکان ممیزی الگوریتمی دو راهکار مهم برای مقابله با چنین پیامدهایی است. افزون بر این، حمایت از حقوق شخصیت و حریم خصوصی افراد ضرورتی انکارناپذیر در اقتصاد دیجیتال است. داده‌های شخصی بخشی از هویت فرد محسوب می‌شوند و انتقال یا افشای کنترل‌نشده آن‌ها می‌تواند به زیان‌های جدی معنوی یا مادی بینجامد. در حقوق ایران، هرچند قانون جامع حمایت از داده‌های شخصی هنوز به تصویب نرسیده است، اما ماده ۱ «قانون مسئولیت مدنی» با عنوان «الزام به جبران خسارات وارده» مقرر می‌دارد که هرکس بدون مجوز قانونی، به حیثیت، اعتبار و حقوق شخصیت دیگری لطمه وارد کند، مسئول جبران خسارت است. این ماده مبنای مهمی برای حفاظت از داده‌ها و جلوگیری از افشای ناموجه آن‌ها فراهم می‌کند. در نتیجه، تنظیم‌گری حقوق مالکیت و انتقال داده تنها یک ضرورت حقوقی نیست، بلکه بخشی از سازوکار تضمین عدالت الگوریتمی، تقویت ساختار رقابتی بازار و حمایت از حقوق بنیادین افراد در اقتصاد دیجیتال به شمار می‌آید. این تنظیم‌گری می‌تواند با ایجاد تعادل میان نوآوری و امنیت داده، بستر مطمئن‌تری برای توسعه پایدار اقتصاد دیجیتال فراهم سازد(باقری، ۱۳۹۶: ۸۴).

## ۷- چالش‌های حقوقی ایران در حوزه حمایت و تنظیم‌گری داده‌های شخصی

نظام حقوقی ایران در مواجهه با داده‌های شخصی خصوصاً در بستر توسعه اقتصاد دیجیتال با مجموعه‌ای از چالش‌های مفهومی، ساختاری و نهادی روبه‌رو است. این کاستی‌ها موجب شده حمایت از داده‌های شخصی عمدتاً در چارچوب قواعد عمومی حقوقی همچون اصول قراردادها و مسئولیت مدنی جست‌وجو شود؛ در حالی که ماهیت پیچیده پردازش داده‌ها، نیازمند ساختارهای تخصصی و قواعد ویژه است. مهم‌ترین چالش‌های موجود را می‌توان در چند محور اصلی تحلیل کرد. نخست، فقدان قانون جامع حمایت از داده‌های شخصی یکی از بنیادی‌ترین مشکلات حقوقی کشور در این حوزه است. نبود قانون خاص برای تعیین ضوابط جمع‌آوری، پردازش، انتقال و حفاظت از داده‌ها باعث شده است که بخش مهمی از حمایت‌ها بر تفسیر موسع قواعد عمومی استوار شود. از جمله، ماده ۱۰ «قانون مدنی» با عنوان «قراردادهای خصوصی» مقرر می‌دارد که قراردادها نافذند مگر آن‌که مخالف صریح قانون باشند، اما در غیاب قانون اختصاصی مرتبط با داده، حدود این توافقات و میزان اعتبار شروط قراردادی مشخص نیست. همچنین ماده ۱ «قانون مسئولیت مدنی» با عنوان «مسئولیت جبران خسارت» از حیثیت، اعتبار و سایر حقوق مورد حمایت قانون حفاظت می‌کند، اما به طور مستقیم به داده‌های شخصی نمی‌پردازد و ناچار باید از این ماده برداشت موسع صورت گیرد. همین خلأ، موجب ابهام جدی در تعریف مفاهیم پایه، تعیین تکالیف پردازش‌گران و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای مشخص شده است. دوم، تعارض بالقوه میان حقوق اقتصادی ناشی از ارزش‌گذاری داده‌ها و حقوق شخصیت افراد از دیگر چالش‌های اساسی است. داده‌های شخصی از یک‌سو با تبدیل‌شدن به دارایی‌های قابل بهره‌برداری اقتصادی در مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال، ارزش اقتصادی قابل‌توجهی یافته‌اند؛ و از سوی دیگر به دلیل ارتباط مستقیم با هویت فردی، در زمره حقوق شخصیت قرار می‌گیرند. مطابق نظریه حقوق شخصیت، این دسته از حقوق اصولاً غیرقابل‌اسقاط و غیرقابل‌معامله تلقی می‌شوند. فقدان مقررات صریح درباره نحوه جمع میان این دو جنبه، نظام حقوقی ایران را در وضعیتی قرار داده که نه امکان بهره‌برداری اقتصادی شفاف از داده‌ها را به شکل قاعده‌مند فراهم می‌کند و نه حفاظت کامل از جنبه شخصیت‌محور داده‌ها را تضمین می‌نماید(قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

سوم، ضعف جدی شفافیت در قراردادهای دیجیتال از مسائل مهم در حوزه داده‌های شخصی است. در قراردادهای عضویت در پلتفرم‌ها، سیاست‌های حریم خصوصی و شرایط استفاده از خدمات، معمولاً اطلاعات کافی درباره هدف پردازش داده، محدوده انتقال، اشخاص ثالث دریافت‌کننده، مدت نگهداری، و حقوق کاربر ارائه نمی‌شود. در نتیجه، رضایتی که کاربران صادر می‌کنند فاقد شرایط لازم برای «رضایت آگاهانه» است. از آنجا که قوانین ایران تعریف دقیقی از رضایت آگاهانه ارائه نکرده‌اند، شفافیت قراردادی عملاً به صلاحدید شرکت‌ها واگذار شده و کاربران در موقعیت نابرابر اطلاعاتی قرار می‌گیرند. چهارم، نبود نهاد مستقل تنظیم‌گر داده یکی دیگر از خلأهای اساسی حقوق ایران است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، نهادهای مستقلی مانند «سازمان حفاظت از داده» وظیفه نظارت بر چرخه پردازش داده، ایجاد استانداردهای امنیتی، دریافت گزارش نقض داده و رسیدگی به شکایات افراد را بر عهده دارند. فقدان چنین نهادی در ایران موجب شده نظارت بر انتقال داده‌ها، استانداردسازی امنیت، ممیزی الگوریتمی و رسیدگی به اختلافات در ساختاری پراکنده و فاقد ضمانت‌اجرای مؤثر انجام شود. پنجم، نبود نظام پاسخگویی مشخص در موارد نقض داده[1] مسئله دیگری است که اهمیت ویژه دارد. در قوانین فعلی ایران، الزام قانونی برای گزارش‌دهی نقض داده به کاربران یا مقامات وجود ندارد؛ تکالیف نگهدارندگان داده تعریف نشده است؛ و ضمانت‌اجراهای مالی یا اداری خاص برای نقض داده پیش‌بینی نشده. بنابراین، تنها مسیر قابل استناد برای مطالبه خسارت، رجوع به ماده ۱ «قانون مسئولیت مدنی» است؛ اما این ماده، به دلیل کلی‌بودن و عدم سازگاری با پیچیدگی‌های فنی نقض داده، به‌تنهایی پاسخگوی همه ابعاد این نوع خسارت‌ها نیست. ششم، دعاوی مربوط به نقض

1. Data Breach

داده با مشکلات اثباتی گسترده همراه‌اند. اثبات رابطه سببیت میان پردازش داده و خسارت واردشده دشوار است؛ دسترسی ادله عمدتاً در اختیار پلتفرم‌ها قرار دارد؛ نظام ادله الکترونیکی توسعه‌نیافته است؛ و تکلیف قانونی برای ثبت و نگهداری سوابق پردازش داده وجود ندارد. این موارد باعث می‌شود اشخاص حقیقی آسیب‌دیده در موقعیت بسیار ضعیفی برای اثبات ادعای خود قرار گیرند و در نتیجه، دستیابی به عدالت رویه‌ای با چالش جدی مواجه شود. در مجموع، مجموعه این چالش‌ها نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران برای پاسخ‌گویی به تحولات اقتصاد داده‌محور، نیازمند اصلاحات بنیادین در سطح تقنین، نهادسازی و تعیین سازوکارهای شفاف نظارتی است. بدون چنین اصلاحاتی، حمایت مؤثر از داده‌های شخصی و دستیابی به توازن میان حقوق اقتصادی و حقوق شخصیت، امری دشوار و گاه ناممکن خواهد بود(شهیدی، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

## ۸- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که داده‌های شخصی واجد ماهیتی دوگانه و ترکیبی هستند: از یک‌سو در زمره‌ی جلوه‌های حقوق شخصیت و حریم خصوصی قرار می‌گیرند و به همین دلیل با حیثیت، هویت و استقلال فردی گره خورده‌اند؛ و از سوی دیگر، در بستر اقتصاد دیجیتال به منبعی با ارزش اقتصادی بالا تبدیل شده‌اند که می‌تواند مبنای خلق ارزش افزوده، نوآوری و رقابت تجاری باشد. در حقوق ایران، هنوز نهاد مستقلی تحت عنوان «مالکیت داده‌های شخصی» به‌صراحت در قوانین موضوعه به رسمیت شناخته نشده است. با این حال، قواعد عمومی حقوق خصوصی ظرفیت‌هایی برای تنظیم روابط مربوط به داده فراهم می‌کنند. از جمله: بر پایه ماده ۱۰ قانون مدنی (عنوان: «قراردادهای خصوصی»)، اصل آزادی قراردادها اجازه می‌دهد که طرفین، در حدود عدم مخالفت با قانون، در خصوص نحوه جمع‌آوری، استفاده و انتقال داده‌های شخصی توافق کنند. از سوی دیگر، در صورت نقض تعهدات قراردادی یا افشای غیرمجاز داده‌ها، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (عنوان: «مسئولیت جبران خسارت») امکان مطالبه خسارت را در قالب لطمه به «حقوق» و «حیثیت» فراهم می‌سازد.

با وجود این ظرفیت‌ها، بررسی تطبیقی نشان داد که الگوی مالکیت‌محور برای داده‌های شخصی نه از منظر نظری و نه از حیث کارکردی الگوی مطلوبی برای نظام حقوقی ایران نیست. تجربه اتحادیه اروپا در قالب مقررات عمومی حفاظت از داده نشان می‌دهد که جایگزین کارآمدتر، اتخاذ رویکردی «حق‌محور» است که در آن محور تنظیم‌گری نه «مالکیت مطلق» بر داده، بلکه مجموعه‌ای از حقوق کنترلی فرد نسبت به داده‌های خویش است. در این چارچوب، حقوقی همچون: حق کنترل بر پردازش داده، حق رضایت آگاهانه و قابل پس‌گرفتن، حق انتقال‌پذیری داده‌ها و حق حذف یا «فراموش‌شدن» داده‌ها، به عنوان ابزارهای اصلی حمایت از فرد در برابر تمرکز اطلاعاتی و سوءاستفاده‌های احتمالی عمل می‌کنند.

بر این اساس، الگوی مناسب برای ایران را می‌توان در اقتباس گزینشی و بومی‌شده از رویکرد GDPR دانست؛ الگوی‌ای که با مبانی حقوق شخصیت در حقوق ایران نیز قابل جمع است. این امر مستلزم: تدوین قانون جامع حمایت از داده‌های شخصی با ساختاری منسجم و روشن، تعریف مفاهیم کلیدی نظیر «داده شخصی»، «رضایت آگاهانه»، «پردازش» و «نقض داده»، تعیین دقیق حدود و شرایط انتقال داده، به‌ویژه در خصوص داده‌های حساس، پیش‌بینی حقوق افراد (از جمله حق دسترسی، اصلاح، انتقال‌پذیری و حذف)، تعیین تکالیف پردازشگران و متصدیان داده در زمینه امنیت، شفافیت و پاسخگویی و ایجاد نهاد ناظر مستقل برای اعمال نظارت، رسیدگی به شکایات و اعمال ضمانت‌اجراها. بدون چنین قانون جامع و نهادهای پشتیبان آن، حمایت از داده‌های شخصی ناگزیر در حد تفسیر موسع از قواعد عمومی قراردادها و مسئولیت مدنی باقی می‌ماند و پاسخ‌گوی چالش‌های پیچیده اقتصاد دیجیتال، از جمله انحصار داده، تبعیض الگوریتمی و نقض گسترده حریم خصوصی نخواهد بود. در نتیجه، گذار از وضعیت فعلی به نظام حقوقی داده‌محور، نیازمند اقدام قانون‌گذار در سطح تقنینی و نهادسازی در سطح اجرایی و نظارتی است؛ گذاری که در آن، داده‌های شخصی نه به‌عنوان صرفاً «مال»، بلکه به‌عنوان «موضوع حقوق بنیادین فرد» تنظیم می‌شوند، بی‌آنکه بُعد اقتصادی و نقش آن‌ها در توسعه‌ی اقتصاد دیجیتال نادیده گرفته شود.

## منابع


۱) شهیدی، مهدی (۱۳۹۳). اعمال حقوقی. تهران: نشر میزان.

۲) قاسمی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). «ماهیت حقوقی داده‌های شخصی در حقوق ایران». فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۴، صص. ۱۲۵–۱۴۹.

۳) کاتب، محسن (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی در فضای مجازی. تهران: سمت.

۴) صفاری‌نیا، محمد و عامری، محسن (۱۳۹۷). «تحلیل حقوقی حمایت از داده‌های شخصی در نظام حقوقی ایران». حقوق فناوری اطلاعات، ۶(۲)، ۵۵–۷۸.

۵) باقری، ابوالقاسم (۱۳۹۶). «حریم خصوصی اطلاعاتی و حمایت از داده‌های شخصی در حقوق ایران». دانش حقوقی، ۱۶(۲)، ۸۹–۱۱۲.
۶) نریمانی، حسین؛ یزدان‌پناه، رحیم (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی حق بر داده‌های شخصی در ایران و اتحادیه اروپا». پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۱۲(۴۸)، ۱۲۱–۱۴۸.
۷) قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲).
۸) قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸).
9) OECD. (2019). Data in the Digital Age. OECD Publishing.
10) Kuner, C. (2020). Transborder Data Flows and Data Privacy Law. Oxford University Press.
11) Solove, D. (2012). Understanding Privacy. Harvard University Press.
12) European Union. (2016). General Data Protection Regulation (GDPR).
13) Van Alsenoy, B. (2016). Data Protection Law in the EU. Cambridge University Press.